|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **دوره دهم ـ سال اول** |  |  **شماره چاپ 70** |
| **تاريخ چاپ 27/4/1395** |  |  **شماره‌ثبت 59** |

**يك شوري**

لايحه آيين دادرسي تجاري

**(در اجراي ماده«141» آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي)**

كميسيون‌هاي ارجاعي

قضائي و حقوقي

اصلي‌:

اقتصادي- امنيت ملي و سياست خارجي- صنايع و معادن- كشاورزي، آب و منابع طبيعي

فرعي‌:

|  |
| --- |
| **به علت حجيم بودن، سوابق جداگانه چاپ وتوزيع مي‌گردد.** |

**معاونت قوانين**

**اداره كل تدوين قوانين** **باسمه تعالي**

**شماره 54799/48185**

**تاريخ 22/3/1391**

**معاونت امور مجلس رئيس جمهور**

هيأت وزيران در جلسه مورخ 21/3/1391 موافقت كرد:

لوايح مندرج در فهرست پيوست كه تأييد شده به مهر«دفتر هيأت دولت» است، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**محمدرضا رحيمي**

**معاون اول رئيس‌جمهور**

**شماره 245701/43283**

**تاريخ 14/12/1390**

**جناب آقاي دكتر لاريجاني**

**رئيس محترم مجلس شوراي اسلامي**

لايحه آيين دادرسي تجاري كه بنا به پيشنهاد قوه قضائيه درجلسه مورخ 25/8/1390هيأت وزيران به تصويب رسيده است، به پيوست براي طي مراحل قانوني تقديم مي‌گردد.

**محمود احمدي نژاد**

**رئيس جمهور**

**مقدمه توجيهي:**

با توجه به توسعه چشمگير امور و فعاليتهاي تجاري در سالهاي اخير و اهميت تنظيم روابط ميان تجار در رشد و توسعه اقتصادي كشور و با عنايت به نقش انكارناپذير رسيدگي تخصصي به امور و دعاوي تجاري در توسعه تجارت، تسهيل سرمايه‏گذاري و بهبود شاخصهاي اقتصادي جوامع امروزي و نظر به منسوخ شدن قوانين پيشين كه محكمه تجارت براساس آنها تشكيل و استقرار يافته بود و با لحاظ ضرورت احياي مجدد محاكم تجاري و رسميت بخشيدن به چنين نهادي به منظور تسريع، دقت و تخصص و تسهيل رسيدگي به امور و دعاوي تجاري و دراجرای بند (2)اصل يكصد و پنجاه و هشتم(158)قانون اساسی و در راستاي رشد و شكوفايي جامعه تجاري و توليد كشور، لايحه زير براي طي تشريفات قانوني تقديم مي‏شود:

**لايحه آيين دادرسي تجاري**

### فصل اول- تشكيلات دادگاه تجاري

**ماده 1-** به منظور رسيدگي تخصصي و افزايش دقت و تسريع در روند رسيدگي به دعاوي ناشي از امور تجاري و اجراي آراء ناظر به آن و تقويت نقش عرف در رسيدگي به اين دعاوي، دادگاه تجاري تشكيل مي‏شود.

**ماده 2-** دادگاه تجاري با حضور رئيس و در غياب وي دادرس علي‏البدل و حداقل يك مشاور تشكيل مي‏شود.

**ماده 3-** تجديدنظر يا رسيدگي فرجامي نسبت به احكام دادگاههاي تجاري، حسب مورد در دادگاههاي تجديدنظر و شعب ديوان‌عالي كشور، با حضور حداقل يك مشاور انجام مي‏گيرد.

**ماده 4-** منظور از مشاور در اين قانون، مشاور دادگاه تجاري است.

**ماده 5-** براي تشكيل جلسه دادرسي و همچنين رسيدگي فرجامي، سه نفر مشاور انتخاب مي‏شوند كه رسيدگي با حضور حداقل يكي از آنان انجام خواهد شد.

**ماده 6-** در مواردي كه هيأت عمومي ديوان‌عالي كشور به منظور صدور رأي وحدت رويه در رابطه با آراء دادگاه‏هاي تجاري تشكيل مي‏شود، رئيس ديوان‌عالي كشور هفت نفر از مشاوران دادگاه تجاري را انتخاب مي‏كند كه حضور حداقل سه نفر از آنان در جلسه هيأت الزامي است.

**ماده 7-** مشاوران در دادگاه تجاري و همچنين شعب و هيأت عمومي ديوان‌عالي كشور حق رأي ندارند و نظر مشورتي آنان به صورت مكتوب اعلام مي‏شود.

**ماده 8-** دادگاه تجاري در حوزه قضائي مركز هر استان تشكيل مي‏شود و تشكيل آن در ديگر حوزه‏هاي قضائي برحسب ضرورت با تشخيص رئيس قوه‌قضائيه است.

تبصره- در هر حوزه قضائي كه دادگاه تجاري تشكيل نشده است، به دعاوي ناشي از امور تجاري در دادگاه‏ حقوقي آن حوزه مطابق اين قانون و با حضور مشاور رسيدگي مي‏شود.

**ماده 9-** رئيس قوه قضائيه مي‏تواند با توجه به نوع دعاوي، تجربه و تخصص قضات، برخي از شعب دادگاه تجاري را جهت رسيدگي به نوع خاصي از دعاوي از قبيل حمل و نقل، بيمه، ورشكستگي، مالكيت فكري و دعاوي تجاري بين‏المللي اختصاص دهد.

**ماده 10-** رئيس قوه قضائيه با توجه به تجربه و تخصص قضات، شعبي از دادگاه‏هاي تجديدنظر و ديوان‌عالي كشور را براي تجديدنظر و رسيدگي فرجامي به آراء دادگاههاي تجاري اختصاص خواهد داد.

تبصره- اختصاص شعبه يا شعبي از دادگاه تجديدنظر يا ديوان‌عالي كشور براي تجديدنظر يا رسيدگي فرجامي به آراء دادگاه تجاري، مانع صلاحيت شعب مذكور براي رسيدگي به آراء ساير دادگاهها در حدود صلاحيت آنها نمي‏باشد.

**ماده 11-** قضات دادگاه تجاري ازبين اشخاص واجدشرايط زير انتخاب‌مي‏شوند:

1- حداقل پنج سال سابقه قضاوت در محاكم حقوقي

2- گذراندن دوره‏هاي آموزش تخصصي قوه قضائيه

تبصره- حداقل سابقه یادشده براي دارندگان مدرك دكتراي رشته حقوق خصوصي يا رشته‏هاي مرتبط، دو سال و براي دارندگان مدرك كارشناسي ارشد رشته‏هاي مزبور، سه سال است.

**ماده 12-** مشاور با توجه به نوع تخصص از ميان تجار فعال عضو اتاقهاي بازرگاني و صنايع و معادن، کشاورزی و تعاون جمهوري اسلامي ايران ویاسایرتشکلهای رسمی بخش خصوصی كه داراي حسن شهرت و آشنا به قوانين و عرف و عادت تجاري هستند، با معرفي اتاقهاي مذكور و نيز ساير متخصصان و صاحب‏نظران و اعضاي هيأت علمي در امورتجاري، از سوي قوه‌قضائيه براي مدت سه سال انتخاب مي‏شوند. انتخاب مجدد مشاور پس از اتمام مدت بلامانع است.

**ماده 13-** مشاور بايد داراي شرايط زير باشد:

1- حداقل سي سال سن

2- نداشتن سابقه ورشكستگي به تقصير یا تقلب

3- نداشتن سابقه مؤثر كيفري

تبصره - اشخاص ورشكسته عادي مي‏توانند پس از اعاده اعتبار به عنوان مشاور انتخاب شوند.

**ماده 14-** افرادي كه در اجراي ماده (12) اين قانون جهت تصدي سمت مشاور انتخاب مي‏شوند، بايد قبل از تصدي اين سمت، دوره آموزشي مربوط به مشاوران را طي كنند.

**ماده 15-** حق‏الزحمه خدمات مشاوران متناسب با ميزان فعاليت در هر پرونده، از محل اعتبارات مربوط پرداخت مي‏شود.

تبصره - تعرفه حق‏الزحمه مطابق آيين‏نامه‏اي است كه بنا به پيشنهاد وزارت دادگستري به تصويب رئيس قوه قضائيه مي‏رسد.

**ماده 16-** احكام انتصاب مشاوران براي شركت در جلسات هيأت عمومي ديوان‌عالي كشور و شعب ديوان‌عالي كشور توسط رئيس ديوان‌عالي كشور و احكام انتصاب ساير مشاوران توسط رئيس كل دادگستري استان مربوط صادر مي‏شود.

تبصره - دعوت مشاوران شعب و هيأت عمومي براي مشاوره در دادگاه تجاري بلامانع است.

**ماده 17-** سمت مشاور در موارد زير زايل مي‏شود:

1- داشتن سابقه محكوميت مؤثر كيفري

2- فوت، حجر، ورشكستگي

3- عزل و استعفاء

4- انقضاي دوره حكم

تبصره - چنانچه مدت اعتبار حكم مشاور در اثناي رسيدگي به دعواي تجاري منقضي شود، مرجع مربوط مي‏تواند تا پايان رسيدگي به آن موضوع از نامبرده دعوت به عمل آورد.

**ماده 18-** قبول استعفاي مشاوران در صلاحيت مقام صادركننده حكم انتصاب است.

**ماده 19-** برايرسيدگي به تخلفات مشاوران، هيأتهاي بدوي و تجديدنظر مركب از افراد زير تشكيل مي‏شود:

الف- هيأتهاي بدوي:

1. نماينده رئيس كل دادگستري استان مربوط
2. نماينده رئيس كانون كارشناسان رسمی دادگستری
3. نماينده رئيس اتاق بازرگاني ،صنایع ومعادن ،کشاورزی وتعاون استان ویا سایر تشکلهای رسمی بخش خصوصی با معرفی وزارت صنعت، معدن و تجارت

ب- هيأت تجديدنظر:

1. رئيس كل دادگستري استان مربوط يا قائم مقام وي
2. رئيس كانون كارشناسان رسمی دادگستری

3-رئيس اتاق بازرگاني، صنایع ومعادن ،کشاورزی وتعاون استان مربوط ویا سایر تشکلهای رسمی بخش خصوصی با معرفی وزارت صنعت، معدن و تجارت

**ماده20 -** تخلفات و مجازات‏هاي انتظامي مشاوران به قرار زير است:

الف - تخلفات:

1. عدم حضور در مراجع صالحه در وقت مقرر بدون عذر موجه
2. توسل به معاذيري كه خلاف بودن آنها بعداً ثابت شود
3. مسامحه و سهل انگاري در اظهار نظر، هر چند مؤثر در تصميمات مراجع صلاحيتدار نباشد
4. سوء رفتار و اعمال خلاف شؤونات دادگاه
5. تسليم اسناد و مدارك به اشخاصي كه قانوناً حق دريافت آن را ندارند و يا امتناع از تسليم آنها به اشخاصي كه حق دريافت دارند
6. انجام مشاوره با وجود جهات رد قانوني
7. اظهار نظر بر خلاف واقع و يا تباني
8. افشاي اسرار و اسناد محرمانه
9. أخذ مال يا وجه از طرفين پرونده تحت هر عنواني

ب - مجازاتها به ترتيب درجه:

1- توبيخ بدون درج در پرونده

2- توبيخ با درج در پرونده

3- محروميت موقت از مشاوره از سه ماه تا شش ماه

4- محروميت موقت از مشاوره از شش ماه تا يك سال

5- محروميت موقت از مشاوره از يك سال تا سه سال

6- محروميت دائم از تصدي مشاوره

تبصره 1- مرتكبين هر يك از تخلفات رديفهاي (1)، (2)، (3) و (4) به مجازات درجه يك تا دو انتظامي و مرتكبين هر يك از تخلفات رديفهاي (4)،(5) و (6) به مجازات درجه سه تا چهار انتظامي و مرتكبين هر يك از تخلفات رديفهاي (7)، (8) و (9) به مجازات درجه پنج تا شش انتظامي محكوم مي‏گردند.

تبصره 2- هرگاه تخلفات موضوع اين قانون، عنوان يكي از جرايم مندرج در قوانين جزائي را نيز داشته باشد، هيأت رسيدگي به تخلفات مذكور مكلف است مطابق ‌اين قانون به تخلف رسيدگي و رأي قانوني صادر نمايد و مراتب را براي رسيدگي به اصل جرم به مرجع قضائي صالح ارسال نمايد. هرگونه تصميم مراجع‌قضائي مانع اجراي مجازاتهای موضوع اين ماده نخواهد بود.

**ماده 21-** قضات دادگاه تجاري مكلفند تخلفات مشاوران را به هيأت موضوع ماده (18) اين قانون اطلاع دهند.

**ماده 22-** مشاوران دادگاه تجاري از حيث جرائمي كه در حين انجام وظيفه يا به مناسبت آن مرتكب مي‏شوند و يا جرائمي كه با وصف مزبور عليه آنها ارتكاب مي‏يابد، در حكم كارمند دولت محسوب مي‏شوند.

**ماده 23-** جهات رد مشاور، همان جهات رد دادرس موضوع قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب (در امور مدني) -مصوب 21/1/1379- است.

**ماده 24-** آيين‏نامه اجرايي مربوط به نحوه انتخاب مشاوران، دوره‏هاي آموزشي و ساير موارد، ظرف سه ماه از تاريخ لازم‏الاجراء شدن اين قانون توسط وزارت دادگستري تهيه و به تصويب هيأت وزيران مي‏رسد.

**فصل دوم - صلاحيت دادگاه تجاري**

**ماده 25-** رسيدگي به امور و دعاوي زير در صلاحيت دادگاه تجاري است:

1- دعاوي ناشي از اعمال تجاري كه طرفين يا يك طرف آن تاجر باشد.

2- دعاوي ناشي از امور شركتهاي تجاري از قبيل تشكيل، تصميمات مجمع عمومي و مديران، اقدامات بازرسان، نقل و انتقال سهام و سهم‏الشركه، منافع و سود سهام و صورتهاي مالي

3- دعاوي توقف، تصفيه و دعاوي مرتبط با آنها

4- دعاوي ناشي از سرمايه‏گذاري‏هاي خارجي

5- دعاوي ناشي از قراردادهاي تجاري بين‏المللي

6- دعاوي راجع به اموال و حقوق مالكيت فكري، صنعتي و تجاري

7- امور و دعاوي راجع به اجراي اسناد خارجي، به شرط اينكه رسيدگي به اختلاف ناشي از موضوع سند در صلاحيت دادگاه تجاري باشد.

8- امور و دعاوي راجع به شناسايي و اجراي احكام دادگاههاي خارجي، در صورتي كه رسيدگي به اصل دعوي در صلاحيت دادگاه تجاري باشد.

9- امور و دعاوي ناشي از داوري اعم از داخلي و خارجي و اجراي آراء آن، به شرطي كه رسيدگي به اصل دعوي در صلاحيت دادگاه تجاري باشد.

10- دعاوي ناشي از اجراي قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراي سياست‏هاي كلي اصل چهل و چهارم(44) قانون اساسي- مصوب 25/3/1387- و قانون بازار اوراق بهادار جمهوري اسلامي ايران - مصوب 1/9/1384- به استثناي مواردي كه رسيدگي به آن در صلاحيت ساير مراجع مصرح در قوانين يادشده است.

تبصره - چنانچه به موجب دادخواست، دعاوي متعددي اقامه شود كه رسيدگي به برخي از آنها خارج از صلاحيت دادگاه تجاري باشد، در صورتي كه اين دعاوي داراي ارتباط كامل باشند، دادگاه تجاري صلاحيت رسيدگي به تمام دعاوي اقامه شده را دارد.

**ماده 26-** رسيدگي به دعاوي مرتبط با عمليات تصفيه و كليه دعاوي مالي مربوط به متوقف در صلاحيت دادگاه صادركننده حكم توقف است.

**ماده 27-** ثبت نشدن شركت خارجي خوانده در ايران مانع اقامه دعوي عليه شركت و رسيدگي به آن در دادگاه تجاري ايران نمي‏باشد.

**ماده 28-** در تمام دعاوي كه در صلاحيت دادگاه تجاري است، طرفين دعوي مي‏توانند با توافق به دادگاه هم‌عرض دادگاه صلاحيتدار همان حوزه يا حوزه قضائي ديگر رجوع كنند. تراضي طرفين بايد به موجب سند رسمي يا اظهار آنان نزد دادگاهي كه دعواي خود را در آن اقامه كرده‏اند، به عمل آيد. در صورت أخير، دادرس اظهار آنان را در صورتمجلس قيد و به امضاي آنان مي‏رساند.

**فصل سوم - اقامه دعوي، رسيدگي و صدور رأي**

**ماده 29-** خواهان بايد قبل از اقامه دعوي، حق مورد ادعاي خود را با ارسال اظهارنامه قانوني يا داده‌پيام از شخصي كه مي‏خواهد عليه او اقامه دعوا نمايد، مطالبه كند. درغير اين‌صورت، حق مطالبه خسارت دادرسي را نخواهد داشت.

**ماده 30-** در دعواي توقف و دعاوي ناشي از آن، دعاوي طاري و درخواست دادرسي فوري و همچنين در مواردي كه خوانده مجهول‏المكان و فاقد نشانی الکترونیکی یا اقامتگاه او خارج از ايران است، ارسال اظهارنامه و داده‌پیام الزامي نيست.

**ماده 31-** در دعاوي كه در صلاحيت دادگاه تجاري است، چنانچه خواسته وجه نقد و مستند به سند عادي باشد و خواهان آن را به وسيله اظهارنامه يا داده‌پيام مطالبه نمايد به طريق زير اقدام خواهد شد:

1- چنانچه مديون ظرف ده روز پس از ابلاغ واقعي اظهارنامه یا دریافت داده‌پیام، در پاسخ به آن، ادعا را بپذيرد، لكن دين خود را نپردازد يا در صندوق دادگستري توديع ننمايد و يا آنكه در مقابل اظهارنامه یا داده‌پیام ظرف ده روز دين خود را انكار ننمايد و يا ظرف همين مدت جوابي ندهد، به درخواست بستانكار حكم الزام او به تأديه دين از طرف دادگاهي كه صلاحيت رسيدگي به اصل دعوي را دارد، صادر خواهد شد. حكم مزبور در صورت عدم اعتراض مديون قابل اجراء است. در صورتي كه مديون نسبت به حكم دادگاه معترض باشد مي‏تواند ظرف ده روز پس از ابلاغ واقعي آن، دادخواست اعتراض به دادگاه صادركننده حكم تسليم نمايد. در اين صورت، طبق مقررات به اعتراض او رسيدگي خواهد شد. حكمي كه پس از رسيدگي به اعتراض صادر مي‏شود در حدود مقررات قابل تجديدنظر و رسيدگي فرجامي است.

2- چنانچه مديون پس از ابلاغ اظهارنامه یا دریافت داده‌پیام، ادعاي طرف را انكار كند داين مي‏تواند طبق مقررات، اقامه دعوي كند. در اين صورت، چنانچه پس از رسيدگي ثابت شود مديون عالماً و عامداً به منظور فرار از انجام تعهد، دين خود را انكار نموده يا مبادرت به تقديم دادخواست اعتراض كرده است، دادگاه ضمن حكم راجع به اصل دعوي، او را به پرداخت جريمه از يك‌تا پنج‌درصد محكوم‌ٌبه محكوم مي‏كند. جريمه مذكور پس از قطعيت حكم، وصول و به صندوق دولت واريز خواهد شد.

**ماده 32-** چنانچه خواهان شخص حقوقي يا بازرگان داراي كارت بازرگاني باشد، دادخواست علاوه بر نشاني محل اقامت خواهان بايد متضمن نشاني الكترونيكي او نيز باشد. عدم قيد نشانی الكترونيكي خواهان از موارد نقص دادخواست محسوب مي‌شود.

**ماده 33-** ابلاغ دادخواست و ساير اوراق قضائي در خارج از كشور به وسيله مأموران رايزني يا سياسي به عمل مي‏آيد. دادگاه اوراق اخطاريه و پيوست‏هاي آن را به قوه قضائيه ارسال و قوه قضائيه مكلف است اوراق را از طريق وسايل ارتباط از راه دور از قبيل دورنگار يا پست الكترونيكي به سفارتخانه يا رايزني ايران در كشور محل اقامت خوانده ارسال كند و مأموران سفارت يا رايزني بايد ظرف ده روز اوراق را به طريق مقتضي ابلاغ و با استفاده از وسايل ارتباط از راه دور براي قوه قضائيه اعاده كنند تا به دادگاه رسيدگي‏كننده ارسال گردد. دادگاه مكلف است وقت رسيدگي را به گونه‏اي تعيين كند كه مطمئن باشد اوراق اخطاريه تا تاريخ تعيين شده اعاده مي‏گردد.

تبصره - چنانچه در كشور محل اقامت خوانده مأموران رايزني يا سياسي نباشند، دادخواست يا ساير اوراق قضائي به درخواست دادگاه توسط قوه قضائيه از طريق پست سفارشي دو قبضه يا پست الكترونيكي مقيد در قرارداد به نشاني خوانده ارسال مي‏گردد.

**ماده 34-** در صورتي كه خواهان نتواند نشاني خوانده را معين نمايد يا پس از اخطار رفع نقص از تعيين نشاني اعلام ناتواني كند، بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست در پايگاه اطلاع‏رساني الكترونيكي قوه‌قضائيه آگهي مي‏شود. تاريخ انتشار آگهي تا جلسه رسيدگي نبايد كمتر از ده‌روز باشد.

تبصره - درصورتي كه ثابت شود خواهان با علم به نشاني خوانده او را مجهول‏المكان اعلام نموده است، دادگاه رسيدگي‏كننده او را با صدور حكم به پرداخت جريمه نقدي از يك ميليون ريال تا بيست ميليون ريال در حق دولت محكوم مي‏نمايد. تصميم دادگاه در اين خصوص قطعي است.

**ماده 35-** در دعاوي مربوط به شعب اشخاص حقوقي، دادخواست و ضمايم آن به مسؤول شعبه مربوط يا قائم مقام آن ابلاغ خواهد شد.

**ماده 36-** در دعاوي راجع به دولت و اموال عمومي كه رسيدگي به آنها در صلاحيت دادگاه تجاري است، موضوع دعوي و وقت رسيدگي علاوه بر خوانده به دادستان نيز ابلاغ مي‏شود تا چنانچه در مقابل دعواي مطروحه ايراد يا دفاعي داشته باشد در دادگاه بيان نمايد. عدم حضور يا دفاع كتبي وي مانع رسيدگي نيست. دادستان مي‏تواند براي حضور در جلسه دادرسي نماينده به دادگاه معرفي كند.

تبصره - مدير دفتر مكلف است از دادخواست و ضمايم تصوير تهيه و براي دادستان ارسال كند.

**ماده 37-** خوانده بايد ظرف ده روز پس از ابلاغ دادخواست و ضمايم پاسخ مكتوب خود به دعواي خواهان را به دفتر دادگاه تقديم و رونوشت تصديق شده كليه اسناد و دلايل خود را پيوست كند.

تبصره- مهلت يادشده براي اشخاص مقيم خارج از كشور بيست روز است**.**

**ماده 38-** خوانده بايد ضمن پاسخ كتبي، هر نوع درخواست، ايراد يا دفاعي را كه نسبت به دعوي دارد از قبيل درخواست معاينه و تحقيق محلي، ارجاع امر به كارشناس و ادعاي جعل يا انكار و ترديد را اعلام كند.

**ماده 39-** دعاوي تقابل و جلب ثالث از سوي خوانده بايد به همراه لايحه دفاعيه اقامه گردد.

**ماده 40-** پاسخ خوانده بايد به همراه اسناد مصدق در دو نسخه و در صورت تعدد خواهان به تعداد آنان به علاوه يك نسخه باشد و چنانچه كمتر از تعداد لازم باشد، دفتر دادگاه رونوشت آن را به تعداد كافي تهيه و هزينه آن را از خوانده وصول مي‏كند.

**ماده 41-** پس از وصول پاسخ خوانده يا انقضاي مهلت قانوني، مدير دفتر بايد پرونده را به نظر رئيس دادگاه برساند. چنانچه به تشخيص دادگاه تشكيل جلسه دادرسي ضروري نباشد، رأي مقتضي را صادر مي‌كند. در غير اين صورت، پرونده را با صدور دستور تعيين وقت به دفتر اعاده مي‏نمايد.

**ماده 42-** فاصله بين ابلاغ وقت به اصحاب دعوي و روز جلسه نبايد كمتر از دو روز باشد.

**ماده 43-** هرگاه با توجه به كيفيت دعوي و اختلاف، امكان سازش بين اصحاب دعوي وجود داشته باشد، دادگاه مي‏تواند بنا به توافق طرفين براي يك‌بار و حداكثر به مدت يك ماه پرونده را جهت سازش به شوراهاي حل اختلاف، واحدهاي صنفي مربوط يا ديگر نهادها، مراجع و يا اشخاصي كه طرفين توافق نموده‏اند، ارجاع كند.

**ماده 44-** مراجع و اشخاص مذكور در ماده قبل، در پايان مهلت مقرر بايد نتيجه اقدامات خود را به دادگاه ارائه نمايند. چنانچه در مهلت مقرر، سازش به عمل نيامده باشد، لكن طرفين پرونده روند سازش را مثبت ارزيابي و تقاضاي مهلت نمايند، دادگاه مدت مزبور را تمديد و در غير اين صورت روند سازش را قطع و به موضوع رسيدگي مي‏كند.

تبصره - در هر صورت مرجعي كه پرونده براي سازش به آن ارجاع شده است در پايان اقدامات سازشي بايد گزارش تفصيلي از اقدامات انجام شده را به دادگاه ارائه كند.

**ماده 45-** در موارد فوري بنا به تقاضاي ذي‌نفع دادگاه مي‏تواند در صورت تشخيص با ذكر دلايل فوريت بدون تبادل لوايح، طرفين دعوي را براي همان روز و در صورت عدم امكان در خارج از وقت اداري و حداكثر روز بعد، حتي در اوقات تعطيل و غيرمحل دادگاه جهت رسيدگي دعوت كند.

**ماده 46-** رئيس دادگاه بايد پس از ملاحظه پرونده، تعيين مشاوران را با توجه به ماهيت دعوي از رئيس حوزه قضائي درخواست كند. رئيس حوزه قضائي يا معاون وي مكلف است حداكثر ظرف بيست و چهار ساعت مشاوران موردنظر دادگاه را معرفي كند. چنانچه رئيس حوزه قضائي نتواند در مهلت مقرر مشاوران را معرفي كند، رئيس دادگاه رأساً و با قرعه تعيين خواهد كرد.

تبصره 1- انتخاب مشاور براي شعب ديوان‌عالي كشور مطابق اين ماده بر عهده رئيس ديوان‌عالي كشور است.

تبصره 2- مشاور واجد شرايط از ميان مشاوران حوزه قضائي مربوط و درصورت لزوم با ذكر علل و جهات از مشاوران ساير حوزه‏هاي قضائي انتخاب مي‏شود.

**ماده 47-** چنانچه به تشخيص دادگاه بدون تشكيل جلسه دادرسي صدور رأي امكانپذير باشد، دادگاه بايد ظرف سه روز پس از تبادل لوايح در وقت فوق‏العاده به صدور رأی اقدام نماید .

**ماده 48-** رسيدگي دادگاه تجاري علني است مگر در مواردي كه علني‌بودن جلسه به تشخيص دادگاه مخالف نظم عمومي باشد يا طرفين دعوي غيرعلني بودن جلسه رسيدگي را درخواست كنند. در اين صورت، دادگاه قرار غيرعلني بودن جلسه را صادر مي‏نمايد و نيز چنانچه يكي از طرفين دادرسي، رسيدگي علني را موجب افشاي اسرار تجاري خود بداند مي‏تواند از دادگاه درخواست نمايد كه جلسه رسيدگي به صورت غيرعلني برگزار شود. در صورتي كه دادگاه اين درخواست را موجه تشخيص دهد، رسيدگي به صورت غيرعلني انجام مي‏شود.

**ماده 49-** رئيس دادگاه بايد رسيدگي را با سؤال از خواهان شروع و سپس سؤالات لازم را از خوانده بپرسد و اگر در ادامه رسيدگي سؤال ديگري لازم باشد به همين ترتيب عمل مي‏شود. هر يك از مشاوران دادگاه نيز مي‏توانند پس از كسب اجازه از رئيس دادگاه سؤالات خود را بپرسند.

**ماده 50-** خروج از موضوع دعوي و قطع جريان رسيدگي توسط هر يك از طرفين ممنوع است.

**ماده 51-** در صورت صدور حكم ورشكستگي براي خواهان، كليه دعاوي ورشكسته متوقف و مراتب از طريق دادگاه به اداره يا مدير تصفيه اعلام مي‏شود. ادامه رسيدگي موكول به فسخ حكم ورشكستگي يا تقاضاي اداره يا مدير تصفيه است. در صورت صدور حكم ورشكستگي براي خوانده، پس از توقف دادرسي اشخاصي كه براي مطالبه وجه نقد عليه ورشكسته طرح دعوي كرده‏اند، به اداره يا مدير تصفيه مراجعه و مطابق مقررات طلب خود را اظهار مي‏كنند. اداره يا مدير تصفيه مكلف است با توجه به مستندات خواهان در مورد ادعاء اظهارنظر كند. در صورتي كه اداره يا مدير تصفيه طلب را به طور كامل تصديق نكند، رسيدگي به دعوي به تقاضاي خواهان و به طرفيت اداره يا مدير تصفيه ادامه خواهد يافت.

تبصره - در مورد ساير دعاوي عليه ورشكسته رسيدگي به دعوي به طرفيت اداره يا مدير تصفيه ادامه مي‏يابد.

**ماده 52-** در صورتي كه تاجر يا مديران شركتهاي تجاري بدهكار، فرار كرده يا اموال خود يا شركت را مخفي نموده يا درصدد آن باشند، دادستان مي‏تواند به تقاضاي ذي‌نفع، قرار نظارت يا مهر و موم اموال تاجر يا شركت تجاري را صادر كند. اين قرارها فوراً اجراء مي‏شود و تا قبل از صدور حكم توقف از طرف هر ذي‌نفع قابل اعتراض در دادگاه تجاري هستند. در صورتي كه قرار نظارت بر اموال تاجر يا شخص حقوقي بدهكار صادر شود دادستان يا امين منصوب وي صورتي از كليه دارايي‏هاي تاجر يا شخص حقوقي را تهيه و صورتمجلس كرده و اقدام مقتضي جهت جلوگيري از تعدي و تفريط نسبت به دارايي‏ها را صورت مي‏دهد.

تبصره 1- دادستان بايد ظرف سه روز از تاريخ صدور قرارهاي مذكور، صدور حكم توقف تاجر يا شركت تجاري را از دادگاه تجاري درخواست كند. قرارهاي مذكور با رد درخواست صدور حكم توقف يا نقص آن‌ها از سوي دادگاه منتفي مي‏شود.

تبصره 2- مهر و موم، توقيف ابنيه، ماشين آلات، وسايل و ابزار كار مورد استفاده در بنگاه اقتصادي نبايد به نحوي باشد كه موجب توقف يا اختلال در روند فعاليت تجاري آن باشد.

**ماده 53-** خواهان مكلف است براي جبران خسارت احتمالي كه از تأمين خواسته حاصل مي‏شود با لحاظ مقررات قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب در امور مدني تأمين مناسب بسپارد يا ضامن معتبر معرفي كند.

تبصره - علاوه بر موارد عدم توديع خسارت احتمالي موضوع قانون يادشده، چنانچه خوانده در پاسخ اظهارنامه يا در جلسه دادگاه بر صحت ادعاي خواهان اقرار كند، يا در مواردي كه مستند دعوي سند الكترونيكي يا اوراق‌بهادار از قبيل قبض انبار عمومي، بارنامه، ضمانتنامه بانكي يا بيمه‏نامه باشد، صدور قرار تأمين خواسته منوط به تأمين يا تضمين خسارت احتمالي نيست.

**ماده 54-** چنانچه پس از صدور قرار تأمين خواسته، خوانده بر صحت ادعاي خواهان اقرار كند، به درخواست خواهان از تأمين خسارت احتمالي رفع اثر مي‏شود.

**ماده 55-** در دعاوي تجاري، اتباع دولت خارجي، از سپردن تأمين اتباع بيگانه معاف مي‏باشند.

**ماده 56-** در صورتي كه خواهان به موجب رأي قطعي محكوم به بطلان دعوي شود يا حقي براي او به اثبات نرسد خوانده حق دارد ظرف بيست روز از تاريخ ابلاغ رأي قطعي، خسارتي را كه از قرار تأمين به او وارد شده است با تسليم دلايل از دادگاه صادركننده قرار مطالبه كند. مطالبه خسارت در اين مورد بدون رعايت تشريفات آيين دادرسي و پرداخت هزينه دادرسي صورت مي‏گيرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ مي‏شود تا چنانچه دفاعي داشته باشد ظرف ده روز از تاريخ ابلاغ با ذكر دلايل آن را عنوان نمايد. دادگاه در وقت فوق‌العاده به دلايل طرفين رسيدگي و رأي مقتضي صادر مي‏نمايد. اين رأي قطعي است. در صورتي كه خوانده در مهلت مقرر مطالبه خسارت ننمايد، وجهي كه بابت خسارت احتمالي سپرده شده به درخواست خواهان به او مسترد و يا ضامن معرفي شده، بري مي‏شود.

**ماده 57-** چنانچه حكم بدوي در خصوص تمام يا قسمتي از محكوم‌ٌبه در دادگاه تجديدنظر نقض شود به درخواست خواهان به همان نسبت از تأمين سپرده شده رفع توقيف مي‏گردد.

**ماده 58-** در صورتي كه خوانده ظرف بيست روز از تاريخ حكم قطعي مطالبه خسارت ننمايد، تأميني كه بابت خسارت احتمالي سپرده شده است به درخواست خواهان به او رد مي‏شود يا تعهد ضامن ساقط مي‏شود.

**ماده 59-** استفاده از سامانه‏هاي رايانه‏اي و مخابراتي از قبيل پست الكترونيكي، ارتباط تصويري از راه دور، نمابر و تلفن حسب مورد براي طرح دعوي، ارجاع پرونده، تشكيل جلسه دادرسي، استماع شهادت شهود، ابلاغ دادنامه و ديگر اوراق قضائي و اوراق مربوط به اجرائيه و نيابت قضائي بلامانع است. شرايط و چگونگي استفاده از سامانه‏هاي موضوع اين ماده به موجب آيين‏نامه‏اي است كه با رعايت قانون تجارت الكترونيك ظرف شش ماه از تاريخ لازم‏الاجراء شدن اين قانون به پيشنهاد وزارت دادگستري و تأييد رئيس قوه قضائيه به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

**فصل چهارم- رسيدگي به دلايل**

**ماده 60-** دادگاههاي تجاري مكلفند به دعاوي موضوع اين قانون موافق قوانين رسيدگي كرده و حكم مقتضي صادر يا فصل خصومت نمايند و در صورتي كه قوانين موضوعه كامل يا صريح نبوده و يا متناقض باشد يا قانوني در قضيه مطروحه وجود نداشته باشد با استناد به منابع معتبر اسلامي يا فتاوي معتبر و يا اصول كلي حقوقي و يا عرف مسلم كه مغاير با شرع نباشد حكم قضيه را
صادر نمايند.

**ماده 61-** هرگاه نسبت به سندي ادعاي جعل شود يا شخصي انتساب سندي را به خود انكار نمايد و صحت سند احراز شود، دادگاه ضمن حكم راجع به اصل دعوي، انكاركننده يا مدعي جعل را به پرداخت جريمه نقدي به مبلغ ده ميليون تا پنجاه ميليون ريال محكوم مي‏كند.

**ماده 62-** هرگاه سند معيني كه مدرك ادعا يا اظهار يكي از طرفين است نزد طرف ديگر باشد و درخواست ابراز آن شود، چنانچه دادگاه سند مورد ادعا را در تصميم خود مؤثر بداند قرار ابراز سند با تعيين مشخصات سند و زمان و مكان ارائه آن را صادر مي‏كند. هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اقرار كند و يا براي دادگاه محرز شود كه سند نزد او مي‏باشد يا قانوناً بايد باشد، دادگاه مي‏تواند امتناع از ابراز سند را قرينه مثبت ادعا يا اظهار طرف مقابل محسوب نمايد، مگر اينكه سند به علتي خارج از اراده او تلف شده باشد يا به آن دسترسي نباشد.

**ماده 63-** چنانچه سند مورد ادعا نزد شخص ثالث باشد، دادگاه مطابق مفاد ماده قبل، قرار ابراز سند عليه شخص ثالث صادر مي‏نمايد. چنانچه ثالث از ابراز سند امتناع كند، مسؤول جبران خسارت متقاضي ابراز سند مي‏باشد، مگر اينكه سند به علتي خارج از اراده او تلف شده باشد يا ابراز آن ممكن نباشد.

**ماده 64-** شخصي كه اسنادي را در دادگاه ابراز مي‏كند، مي‏تواند از دادگاه بخواهد كه اطلاعات آن افشاء نشود. در صورت تأييد غير قابل افشاء بودن مندرجات اسناد، دادگاه از طرف يا طرفين دعوي، وكلاي آنان و كارشناس، تعهدي مبني بر عدم افشاي، تكثير، ذخيره‏سازي و نگهداري اطلاعات مزبور أخذ مي‏كند. متخلف به مجازات افشاء اسرار مردم در غير مواردي كه قانون تجويز كرده است محكوم مي‏شود.

**ماده 65-** سند موضوع اين قانون، اعم از سند مكتوب يا الكترونيكي است.

**ماده 66-** چنانچه گواه در خارج از ايران اقامت داشته باشد دادگاه مي‏تواند وفق ماده (33) اين قانون استماع گواهي او را از مأموران سياسي و رايزني ايران در كشور محل اقامت گواه درخواست كند. مأموران سياسي و رايزني مكلفند به طريق مقتضي گواهي گواه را استماع و در صورتمجلس منعكس و به امضاي گواه برسانند و اعاده كنند.

**ماده 67-** دادگاه مي‏تواند در صورت درخواست خواهان قبل از تشكيل جلسه اول رسيدگي، كارشناس مربوط را انتخاب نمايد و از وي جهت حضور در جلسه اول و جلسات بعدي رسيدگي و اطلاع از جزئيات اختلاف و دلايل طرفين و كارشناسي دعوت كند.

**ماده 68-** دادگاه بايد در قرار ارجاع امر به كارشناسي به طور مشخص مواردي را كه كارشناس بايد در مورد آنها اظهارنظر كند، قيد نمايد. قرار ارجاع به كارشناس نبايد به گونه‌اي باشد كه مستلزم ورود و اظهار نظر كارشناس راجع به مفاهيم حقوقي باشد. چنانچه اظهار نظر كارشناس درموضوع يا ارزيابي نظريه صادره كارشناسي مستلزم فهم مسائل و مفاهيم تخصصي حقوقي باشد، دادگاه مي‏تواند در كنار كارشناس مزبور، از نظر مشورتي كارشناس رسمي حقوقي جهت ارائه مشاوره حقوقي در كنار كارشناس فني استفاده نمايد.

**ماده 69-** چنانچه ضمن اجراي قرار كارشناسي هر يك از طرفين با وجود درخواست كارشناس از همكاري لازم براي ارائه مدارك و مستندات يا نظير آن امتناع ورزند و اجراي قرار بدون همكاري او امكانپذير نباشد، كارشناس مراتب را به دادگاه اعلام مي‏كند و در اين صورت، امتناع مي‏تواند از قرائن مثبت ادعا محسوب شود.

**ماده 70-** چنانچه كارشناس به دليل وجود جهات رد يا عذر موجه قادر به انجام كارشناسي نباشد بايد مراتب را كتباً ظرف دو روز از تاريخ ابلاغ به دادگاه اعلام كند. درغيراين‌صورت، دادگاه تخلف او را به مرجع صلاحيتدار مربوط اعلام خواهد كرد.

**ماده 71-** چنانچه در موضوع كارشناسي، كارشناس رسمي دادگستري در حوزه قضائي دادگاه وجود نداشته باشد يا به او دسترسي نباشد، دادگاه مي‏تواند از بين كساني كه داراي تخصص در موضوع مربوط هستند، كارشناس انتخاب كند. در اين صورت كارشناس منتخب، بايد مراتب پذيرش كارشناسي را با سوگند به انجام صحيح وظيفه تعيين شده، ظرف سه روز به دادگاه اعلام كند.

**ماده 72-** چنانچه كارشناس براي اجراي قرار، استفاده از تخصصهاي ديگر را لازم بداند مراتب را با ذكر دليل و تخصص مورد نياز، به دادگاه صادركننده قرار اعلام مي‏كند. چنانچه دادگاه درخواست كارشناس را موجه تشخيص دهد، كارشناس يا كارشناسان مورد نياز و در صورت نبود يا عدم دسترسي، متخصص يا متخصصان مربوط را مطابق مقررات تعيين و به كارشناس اول معرفي و مراتب را به طرفين ابلاغ مي‏كند. در اين موارد كارشناس دوم نظر خود را به دادگاه اعلام مي‏دارد. كارشناس اول با لحاظ نظر كارشناس دوم، نظريه كارشناسي خود را صادر خواهد كرد. اعتراض به نظريه كارشناس يا كارشناسان بعدي مي‏تواند به تبع نظريه كارشناس اول صورت گيرد.

**ماده 73-** چنانچه كارشناس بدون عذر موجه در مدت تعيين شده نظر كتبي خود را به دادگاه تسليم نكند، دادگاه پس از رسيدگي و احراز تخلف، حكم به محروميت كارشناس از كارشناسي از سه ماه تا يكسال صادر مي‏كند. اين حكم قطعي است.

**ماده 74-** اعتراض به نظر كارشناسي از سوي طرفين بايد ظرف مهلت پنج روز از تاريخ ابلاغ نظريه كارشناسي صورت گيرد. در اين صورت دادگاه پس از وصول اعتراض در وقت فوق العاده به اعتراض رسيدگي و در خصوص پذيرش يا رد آن به طور مستدل و مستند و با ذكر صريح دلايل اظهار نظر مي‏نمايد و در صورت پذيرش اعتراض، قرار ارجاع امر به كارشناس يا كارشناسان ديگر را صادر مي‏كند.

**ماده 75-** چنانچه نظر كارشناسي از نظر دادگاه مبهم، متناقض، ناقص و يا مغاير با اوضاع و احوال محقق و معلوم پرونده باشد، اعم از اينكه مورد اعتراض طرفين واقع شده يا نشده باشد، دادگاه در صورتي مي‏تواند موضوع را به كارشناس يا كارشناسان ديگر ارجاع نمايد كه قبلاً مراتب را به كارشناس يا كارشناسان صادركننده نظريه ابلاغ كرده و نظريه كارشناسي تكميلي و يا اصلاحي، نظر قاضي دادگاه را تأمين نكرده باشد. در اين صورت دادگاه مي‌تواند با صدور قرار با ذكر صريح دلايل عدم پذيرش به صورت مستند و مستدل، موضوع را به كارشناسان ديگر ارجاع دهد.

**ماده 76-** چنانچه كارشناس يا كارشناسان صادركننده نظريه براساس توافق طرفين انتخاب شده باشند نظريه كارشناسي صادره قابل اعتراض نمي‌باشد و دادگاه با ملاحظه آن رأي مقتضي را صادر مي‌كند.

**ماده 77-** هر يك از طرفين مي‏تواند قبل از اقامه دعوي يا در حين دادرسي دليل يا ادله خاصي را از مجموع ادله قانوني به عنوان دليل اثبات دعواي خود تعيين كند. در اين صورت، دادگاه براساس همان دليل يا دلايل رأي صادر خواهد كرد.

**ماده 78-** دادگاه حداكثر ظرف سه روز پس از اعلام ختم دادرسي رأي خود را انشاء و اعلام مي‏نمايد.

**ماده 79-** رأي دادگاه علاوه بر موارد مصرح در ماده (296) قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب (در امور مدني) بايد مشتمل بر خلاصه دعوي و استدلال ارائه شده توسط طرفين با قيد شماره اوراق مربوط و جهات پذيرش يا رد هر يك از آنها باشد.

**فصل پنجم- شكايت از آراء**

**ماده 80-** مهلت واخواهي از احكام غيابي براي اشخاص مقيم ايران ده روز و براي اشخاص مقيم خارج از كشور بيست روز از تاريخ ابلاغ واقعي خواهد بود. عذر موجه تابع قانون آيين دادرسي مدني است.

**ماده 81-** چنانچه دادگاه اعتراض واخواه را وارد تشخيص ندهد، در وقت فوق‏العاده با رد اعتراض، حكم واخواسته را تأييد مي‏نمايد. در غير اين صورت، اگر دادگاه ضروري تشخيص دهد، با تعيين وقت رسيدگي، طرفين را براي جلسه رسيدگي دعوت مي‏كند و چنانچه تشكيل جلسه به نظر دادگاه لازم نباشد، بدون تعيين وقت حكم واخواسته را نقض و رأي مقتضي صادر مي‏كند.

**ماده 82-** كليه آراء دادگاه تجاري قابل تجديدنظر است مگر آراء صادر شده در دعاوي كه خواسته يا بهاي آن از يكصد ميليون (100.000.000) ريال بيشتر نباشد و ساير مواردي كه در مواد (331) تا (332) قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب (در امور مدني) تصريح شده است.

**ماده 83-** مهلت درخواست تجديدنظر براي اشخاص مقيم ايران ده روز و براي اشخاص مقيم خارج از كشور بيست روز از تاريخ ابلاغ يا انقضاي مهلت واخواهي است.

**ماده 84-** علاوه بر اشخاص مذكور در ماده (335) قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب (در امور مدني)، در دعاوي راجع به دولت و اموال عمومي، توقف و تصفيه دادستان نيز مي‏تواند تجديدنظرخواهي كند.

**ماده 85-** فقدان صلاحيت محلي دادگاه تجاري در مرحله بدوي در صورت عدم ايراد از جانب خوانده در دادگاه بدوي از جهات نقض رأي در دادگاه تجديدنظر نمي‏باشد.

**ماده 86-** آراء زير قابل رسيدگي فرجامي است:

1- آرائي كه به علت انقضاي مهلت تجديدنظرخواهي قطعي شده‏اند.

2- آراء دادگاه تجديدنظر

تبصره - آراء دادگاه بدوي يا تجديدنظر در دعاوي كه خواسته يا بهاي آن بيش از پانصد ميليون (500.000.000) ريال نباشد، قابل فرجام نيست.

**ماده 87-** مهلت فرجام‌خواهي براي اشخاص مقيم ايران ده روز و براي اشخاص مقيم خارج از كشور بيست روز از تاريخ انقضاي مهلت تجديدنظر يا ابلاغ رأي قطعي تجديدنظر است.

**ماده 88-** حكم راجع به قبول يا رد دعواي اعسار قابل تجديدنظر يا فرجام نيست.

**ماده 89-** كليه آراء دادگاههاي تجاري بدون ذكر مشخصات اصحاب دعوي بايد حداكثر ظرف شش ماه از تاريخ صدور رأي قطعي در پايگاه اطلاع‏رساني الكترونيكي قوه قضائيه منتشر شود.

**فصل ششم- دعواي مشتق**

**ماده 90**- شخص يا اشخاصي كه مجموع سهام آنان حداقل يك پنجم مجموع سهام شركت باشد مي‏توانند در صورت تخلف يا تقصير رئيس و اعضاي هيأت مديره و يا مدير عامل به نام و از طرف شركت عليه رئيس يا تمام يا بعضي از اعضاي هيأت مديره و مدير عامل اقامه دعوي كنند و جبران كليه خسارات وارده به شركت را از آنها مطالبه كنند. به اين دعوي، دعواي مشتق گويند.

**ماده 91-** در دعاوي مشتق، سازش اعم از اينكه در دادگاه باشد يا خارج از آن و همچنين استرداد دادخواست يا دعوي با تأييد دادگاه معتبر است.

**ماده 92-** امور راجع به دعواي مشتق از حيث اينكه توسط چه تعداد از سهامداران شركا يا اعضاء و با چه شرايطي و عليه چه كساني بايد اقامه شود تابع قانون دولت متبوع شركت است.

**ماده 93-** در دعواي مشتق، خواهان از پرداخت هزينه دادرسي معاف است، ولي چنانچه حكم به نفع شركت صادر گردد، هزينه دادرسي از محل محكوم‌ٌبه وصول خواهد شد.

**فصل هفتم- دعواي توقف**

**ماده 94-** تاجر مكلف است ظرف سه روز از تاريخ عجز از پرداخت دين، صدور حكم توقف خود را از دادگاه تجاري محل اقامت خود تقاضا كند و صورتحساب دارايي و كليه دفاتر تجاري خود را به دفتر دادگاه تسليم كند.

تبصره 1- اعلام توقف در اشخاص حقوقي قبل از انحلال بر عهده مدير يا مديران و پس از انحلال بر عهده مدير تصفيه است.

تبصره 2- در صورتي كه تاجر يا مديران اشخاص حقوقي ظرف سه روز از تاريخ عجز از پرداخت دین مراتب را به دادگاه اعلام نكنند، دادگاه بايد در حكم خود دستور توقيف آنان را صادر نمايد.

**ماده 95-** دادستان مكلف است به محض اطلاع از توقف تاجر، صدور حكم توقف وي را به همراه مدارك مثبت از قبيل كيفرخواست عليه تاجر به اتهام صدور چك بلامحل و اجرائيه محكوميت‏هاي مالي و اجرائيه‏هاي ثبتي از دادگاه تجاري تقاضا كند.

**ماده 96-** دادگاه مكلف است پس از صدور اجرائيه عليه تاجر، مراتب را با ارسال رونوشت حكم قطعي و اجرائيه به دادستان حوزه قضائي خود اعلام كند.

**ماده 97-** هر طلبكاري كه طلب او حال و منجز است مي‏تواند پس از مطالبه و عدم پرداخت طلب، صدور حكم توقف تاجر را درخواست كند. رسيدگي به درخواست توقف تابع مقررات عمومي است.

**ماده 98-** در مواردي كه دادستان يا طلبكار صدور حكم توقف تاجر را تقاضا مي‏كند، دعوي بايد به طرفيت تاجر اقامه شود.

تبصره - چنانچه تاجر صدور حكم توقف خود را تقاضا كند، دعوي را بايد به طرفيت دادستان حوزه قضائي محل اقامت خود اقامه كند.

**ماده 99-** صدور حكم توقف تاجري كه در زمان مرگ متوقف بوده است تا يك‌سال پس از مرگ وي قابل درخواست است.

**ماده 100-** مدير يا اداره تصفيه در مواردي كه به قائم مقامي ورشكسته اقامه دعوي مي‏كند از پرداخت هزينه دادرسي معاف است.

تبصره - دعواي توقف، غير مالي است.

**ماده 101-** پرداخت دين مستند دعواي توقف، مانع ادامه رسيدگي دادگاه نيست.

**ماده 102-** رسيدگي به دعواي توقف، خارج از نوبت خواهد بود. در صورت فوريت دادگاه مي‏تواند با رعايت ماده (45) اين قانون رسيدگي كند.

**ماده 103-** حكم توقف علاوه بر موارد مندرج در ماده (79) اين قانون بايد مشتمل بر نكات زير باشد:

1- استدلال دادگاه بر تاجر بودن

2- دلايل توقف شخص مديون

3- تاريخ توقف

4- دستور مهر و موم اموال متوقف

5- تعيين عضو ناظر و مدير تصفيه در حوزه‏هاي قضائي كه اداره تصفيه و امور ورشكستگي تشكيل نشده است.

**ماده 104-** چنانچه در حين رسيدگي يا بعد از صدور حكم بر دادگاه معلوم شود كه تاجر يا مديران شخص حقوقي به واسطه اقدامات خود در صدد مخفي نمودن و يا از بين بردن اموال يا اسناد يا جلوگيري از اقدامات مربوط به تصفيه ورشكستگي مي‌باشند، قرار توقيف افراد مذكور را صادر مي‏نمايد.

تبصره- در مواردي كه مدير يا اداره تصفيه لازم بداند، متوقف يا مديران شخص حقوقي متوقف بايد در مدت تصفيه همكاري لازم از قبيل حضور در اداره تصفيه يا نزد مدير تصفيه و پاسخگويي به سؤالات را به عمل آورد. در غير اين صورت، بنا به درخواست مدير يا اداره تصفيه دادگاه مي‏تواند قرار توقيف آنها را صادر كند.

**ماده 105-** مدت قرار توقيف در موارد فوق‌الذكر حداكثر يك‌ماه است. چنانچه با انقضاي اين مدت ادامه توقيف ضرورت داشته باشد، دادگاه مي‏تواند با ذكر دليل قرار توقيف را تمديد كند. حداكثر مدت توقيف هشت ماه خواهد بود. اين قرار تا هفت روز از تاريخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجديدنظر مي‏باشد.

تبصره - دادگاه تجديدنظر خارج از نوبت و در وقت فوق‏العاده به اعتراض رسيدگي مي‏كند.

**ماده 106-** دادگاه بايد نسخه‏اي از حكم توقف را به اداره تصفيه و امور ورشكستگي محل و سازمان ثبت اسناد و املاك محل ارسال كند و چنانچه متوقف شركت سهامي عام پذيرفته شده در بورس باشد، نسخه‏اي از حكم توقف به سازمان بورس و اوراق بهادار نيز ارسال مي‏گردد.

**ماده 107-** حكم توقف بايد در روزنامه رسمي جمهوري اسلامي ايران و يكي از روزنامه‏هاي كثيرالانتشار و پايگاه اطلاع‏رساني الكترونيكي قوه قضائيه آگهي شود.

**ماده 108-** اشخاص ثالث ذي‏نفع مي‏توانند با رعايت مواعد مقرر در ماده (83) اين قانون از زمان انتشار در روزنامه رسمي جمهوري اسلامي ايران نسبت به حكم توقف اعتراض نمايند.

**ماده 109-** در صورتي كه حكم توقف از دادگاه تجديدنظر صادر شود، ظرف مهلت مذكور در ماده (83) اين قانون از تاريخ انتشار در روزنامه رسمي جمهوري اسلامي ايران از سوي اشخاص ثالث ذي‏نفع قابل اعتراض در همان دادگاه مي‏باشد، ليكن نسبت به اصحاب دعوي رأي صادره از دادگاه تجديدنظر قطعي است.

**ماده 110-** اعتراض ثالث خارج از مهلت مذكور در ماده قبل قابل استماع نمي‏باشد.

**ماده 111-** در صورت نقض حكم توقف در مرحله تجديدنظر، اقدامات قانوني كه مدير يا اداره تصفيه در اجراي موقت حكم ورشكستگي انجام داده‏اند معتبر است.

**فصل هشتم - اجراي موقت احكام**

**ماده 112-** احكام دادگاه تجاري به درخواست محكوم‌ٌله و به شرط سپردن تأمين مناسب قابل اجراي موقت است. مگر احكام توقف و تصميم دادگاه در خصوص آراء داوري كه اجراي موقت آنها منوط به سپردن تأمين نيست.

تبصره - اتخاذ تصميم در مورد درخواست اجراي موقت حكم تا وقتي كه از آن تقاضاي تجديدنظر نشده است با دادگاه بدوي و پس از آن با دادگاه تجديدنظر است.

 **ماده 113-** دادگاه مي‏تواند درخواست اجراي موقت را در صورتي كه محكوم‌ٌبه قابل تفكيك باشد نسبت به قسمتي از آن بپذيرد.

**فصل نهم - مرور زمان در دادگاه تجاري**

**ماده 114-** مرور زمان در اين قانون عبارت از گذشتن مدتي است كه پس از انقضاي آن مدت دعوي در دادگاه تجاري قابل استماع نمي‏باشد و رسيدگي به آن طبق مقررات قانون آيين دادرسي مدني در دادگاه عمومي حقوقي خواهد بود.

**ماده 115-** طرفين قرارداد مي‏توانند با توافق براي اقامه دعواي ناشي از قرارداد مهلتي قرار دهند كه با انقضاي آن، دعوي قابل استماع نمي‏باشد.

**ماده 116-** در كليه دعاوي كه رسيدگي به آنها در صلاحيت دادگاه تجاري است مدت مرور زمان پنج سال است.

تبصره - مرور زمانهاي مقرر در ساير قوانين مشمول مقررات اين قانون نيست.

**ماده 117-** مبدأ مرور زمان به شرح زير است:

1- در دعواي راجع به استرداد اماناتي كه محدود به مدت معيني نباشد و همچنين راجع به تعهداتي كه براي انجام آنها مدتي معين نشده است يا عندالمطالبه بايد انجام شود از تاريخي كه به وسيله اظهارنامه رسمي مطالبه شده است.

2- در دعواي راجع به استرداد وثيقه از روزي كه به وسيله تأديه دين يا به وسايل ديگر وثيقه فك شده است.

3- در دعواي ناشي از معاملات از قبيل عيب و غبن از تاريخ وقوع معامله

4- در دعواي بطلان تقسيم از تاريخ تقسيم

5- در ساير دعاوي از زماني كه صاحب مال يا حق مستحق مطالبه مي‏گردد.

تبصره 1- در دعواي مستحقٌ‌للغير بودن مورد معامله، مرور زمان نسبت به رجوع خريدار بر بايع راجع به ثمن معامله و خسارات از تاريخي شروع مي‏شود كه مستحق‌ٌللغير بودن مورد معامله ثابت و مال از تصرف خريدار خارج شده باشد. ليكن اگر خريدار بدون اينكه بر او اقامه دعوي شده يا مال از تصرف او خارج شده باشد، مدعي مستحقٌ‌للغير بودن مبيع شود، مدت مرور زمان از تاريخ وقوع معامله شروع مي‏شود.

تبصره 2- دعاوي توقف، بازسازي، تصفيه و دعاوي مرتبط با آنها و همچنين تقاضاي شناسايي احكام خارجي مشمول مرور زمان مقرر در اين قانون نيست.

**ماده 118-** هرگاه بين دائن و مديون تفريغ حساب شده و يا سندي مبادله شده باشد، مدت مرور زمان از تاريخ تفريغ حساب يا مبادله سند شروع مي‏شود.

**ماده 119-** در ديوني كه بايد به اقساط پرداخت شود، ابتداي مرور زمان، زمان پرداخت آخرين قسط مي‏باشد.

**ماده 120-** در دعواي تقابل هرگاه مدت مرور زمان منقضي شده باشد تا آخرين وقتي كه براي اقامه دعواي تقابل مقرر است، مدعي تقابل حق اقامه دعوي دارد.

**ماده 121-** حكم مرور زمان در حق كساني كه تحت ولايت يا قيمومت هستند مثل مجنون و صغير و سفيه جاري نمي‏شود و مرور زمان از تاريخ عقل، بلوغ يا رشد آنان شروع خواهد شد.

**ماده 122-** هر گاه كسي كه مرور زمان عليه او جريان دارد، قبل از مرور زمان وفات نمايد، مرور زمان بعد از وفات او نسبت به وارث صغير يا غيررشيد يا مجنون معلق مي‏شود تا وقتي كه وارث، بالغ يا رشيد يا عاقل شود.

**ماده 123-** مرور زمان عليه كساني كه به واسطه قوه قاهره يا به علت خطر جاني يا حيثيتي و يا ضررمالي قابل توجه خود يا اقرباي سببي يا نسبي تا درجه سوم از طبقه دوم نتوانسته‏اند اقامه دعوي كنند جاري نمي‏شود و اگر بعد از شروع مرور زمان امور مذكور واقع شود، مدت مرور زمان معلق خواهد شد.

**ماده 124-** در موارد تعليق مرور زمان، مدت بعد از زوال جهت تعليق به مدت قبل از تعليق براي استفاده مرور زمان افزوده مي‏شود.

**ماده 125-** مرور زمان موضوع اين قانون در موارد زير قطع مي‏شود:

1- چنانچه شخصي كه مرور زمان عليه او جريان دارد به واسطه دادخواست يا اظهارنامه حق خود را مطالبه كند.

2- در صورتي كه مديون در دادگاه يا در نوشته‏اي كه به امضاء يا اثر انگشت يا مهر او است، اقرار به دين يا حق نمايد.

**ماده 126-** تقديم دادخواست در موارد زير موجب قطع شدن مرور زمان نمي‏شود:

1- در صورتي كه دادخواست به دليل فقدان شرايط قانوني يا به علت ديگر رد شود.

2- در صورتي كه خواهان دادخواست يا دعواي خود را استرداد كند.

3- در صورتي كه دعواي خواهان به جهتي از جهات قانوني مردود يا ساقط شود.

**ماده 127-** مرور زمان بيش از يك بار قطع نمي‏شود.

**ماده 128-** رسيدگي به امور و دعاوي تجاري كه پيش از تشكيل دادگاه تجاري اقامه شده‏اند، مطابق قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب (در امور مدني) در دادگاهي كه دعوي نزد آن مطرح است، ادامه مي‏يابد.

**ماده 129-** قوه قضائيهمكلف است ظرف سه ماه از تاريخ لازم الاجراء شدن اين قانون با همكاري وزارت صنعت، معدن و تجارت بانك اطلاعات سوابق قضائي محكومين قطعي دادگاههاي تجاري را تدوين و راه‌اندازي نمايد. دستگاههاي اجرائي دولتي و مؤسسات عمومي غيردولتي و بانكها مكلفند در اعطاي مجوزها، تخفيف‌ها و يا انعقاد قرارداد با آنها اين سابقه را به عنوان يكي از شاخصهاي صلاحيت تجاري و فني مدنظر قرار دهند. آيين نامه اجرائي اين ماده مشتمل بر نحوه و ميزان سوابق قابل ثبت و نحوه ترتيب اثر دادن دستگاهها به اين سوابق با همكاري وزارت صنعت، معدن و تجارت و قوه قضائيه تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

**ماده 130-** به منظور تسهيل اجراي آراء دادگاههاي تجاري و احقاق حق محكوم‌ٌله، وزارت دادگستري با همكاري بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران و بانكهاي عامل و سازمان ثبت اسناد و املاك کشور و ساير دستگاههاي اجرائي ذي ربط نسبت به تأسيس و راه‌اندازي سامانه دسترسي اجراي احكام دادگستري به اطلاعات اموال و وجوه تجار با رعايت محرمانه ماندن اطلاعات اقدام نمايد. اين سامانه با رعايت محرمانه ماندن و حفظ حريم خصوصي افراد برحسب درخواست دادگاهها و حوزه اجراي احكام دادگستري فقط در حدود و مبالغ مورد نظر جهت تصميم گيري در مورد دعاوي اعسار و اجراي احكام دادگاههاي تجاري قابل استفاده است. كليه دستگاههاي اجرائي مكلفند با رعايت حريم و حقوق خصوصي افراد همكاري لازم را با وزارت دادگستري، دادگاهها و اجراي احكام دادگستري جهت ارائه اطلاعات مورد نياز معمول نمايند. آيين‌نامه اجرائي اين ماده ظرف شش ماه از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين قانون توسط وزارتخانه های دادگستري، امور اقتصادي و دارايي ،صنعت ،معدن وتجارت و بانك مركزي جمهوری اسلامی ايران و سازمان ثبت اسناد و املاك كشور تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

**ماده 131-** محكوم‌ٌ‏عليه دادگاه تجاري موظف است طبق مقررات نسبت به اجراي احكام دادگاههاي موضوع اين قانون اقدام كند. چنانچه محكوم‌ٌعليه به هر دليل از اجراي احكام خودداري نمايد دادگاه تجاري موظف است رأساً با استعلام از بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران و مؤسسات مالي و اعتباري و سازمان ثبت اسناد و املاك كشور نسبت به شناسايي اموال و دارايي‏هاي محكومٌ‌عليه اقدام و حكم را اجراء كند و با اعلام دادگاه نسبت به توقيف وجوه و اموال املاك اعلامي از سوي دادگاه به ميزان محكوم‌ٌبه اقدام و ظرف يك هفته پاسخ لازم را ارائه دهد.

**ماده 132-** در موارد سكوت اين قانون، قانون آيين دادرسي دادگاههای عمومی وانقلاب(درامورمدني) لازم‏الاجراء خواهد بود.

**ماده 133-** پنجاه درصد **(**50%) وجوه ناشي از هزينه دادرسي در دادگاههاي تجاري به حساب درآمد اختصاصي نزد خزانه‏داري كل واريز مي‌گردد و معادل آن با پيش‌بيني قوانين بودجه ساليانه در اختيار قوه قضائيه قرار مي‌گيرد تا جهت استقرار شعب اين دادگاهها به تعداد كافي، ارتقاء تخصص، پرداخت حق الزحمه مشاوران، ترويج و حمايت از ساير روشهاي حل و فصل جايگزين رسيدگي قضائي (داوري، سازش و ميانجيگري)، تجهيز دادگاههاي تجاري و دفاتر آنها به امكانات الكترونيك پيشرفته و ساير هزينه‌هاي مورد نياز جهت اجراي اين قانون صرف گردد. قوه قضائيه بايد ترتيباتي اتخاذ نمايد كه تعداد پرونده‌هاي جاري در هر شعبه از صد پرونده فراتر نرود. همچنين دولت مكلف است به منظور اجراي اين قانون، بنا به پيشنهاد قوه قضائيه اعتبارات لازم را در لوايح بودجه سنواتي پيش‏بيني نمايد.

**وزير دادگستري رئيس‏جمهور**

 **وزير صنعت، معدن و تجارت**

**هيأت‌رئيسه محترم مجلس شوراي اسلامي**

احتراماً، در اجراي آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي و ماده (4)
قانون تدوين‌وتنقيح قوانين‌ومقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر معاونت قوانين در مورد **لايحه آيين‌دادرسي تجاري** تقديم مي‌گردد.

**معاون قوانين**

**نظر اداره‌كل تدوين قوانين**

**معاون محترم قوانين**

**احتراماً در اجراي بندهاي (2) و (4) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:**

**1- سابقه تقديم:**

**ماده 134 -** ■ قبلاً تقديم نگرديده است

**-** □ قبلاً در جلسه علني شماره مورخ تقديم و در تاريخ در □ مجلس/ □ كميسيون

(موضوع اصل 85 قانون اساسي) رد شده و اينك:

□ با تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي 50 نفر از نمايندگان (مشروط به تصويب مجلس)

□ بدون تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي كمتر از 50 نفر از نمايندگان

□ پيش از انقضاء شش ماه

□ با انقضاء شش ماه

□ مي‌باشد.

□ نمي‌باشد.

 مجدداً قابل پيشنهاد به مجلس

**2- در اجراي بند (2) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور:**

■ رعايت شده‌است.

□ رعايت شده‌است. (با اعمال نظر كارشناسي)

□ رعايت نشده‌است، دلايل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

در لايحه تقديمي آيين‌نگارش قانوني و ويرايش ادبي

**3- از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (شكلي):**

**الف- ماده 131-**

 **■دارد**

**□ ندارد**

اول**-** موضوع و عنوان مشخص

 **■دارد**

**□ ندارد**

دوم**-** دلايل لزوم تهيه و پيشنهاد در مقدمه

 **■دارد**

**□ ندارد**

سوم- موادي متناسب با اصل موضوع و عنوان

 **■دارد**

**□ ندارد**

**ب- ماده 136-** امضاء مقامات مسؤول را

■ نمي‌باشد.

□ مي‌باشد.

□ ماده واحده

■ مواد متعدد

□ يك‌موضوع ا

■ بيش‌از‌يك‌موضوع

**ج- ماده 142-** لايحه تقديمي داراي است و پيشنهاد آن به عنوان مواجه با ايراد

**4- در اجراي بند(4) ماده(4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389:**

**اول: از نظر قانون اساسي؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد. اصل/ اصول مغاير و دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌گردد.**

 **لايحه تقديمي با قانون اساسي بطوركلي مغايرت**

**دوم: از نظر سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **لايحه تقديمي با سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز مغايرت**

**سوم: از نظر قانون برنامه؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **لايحه تقديمي با قانون برنامه مغايرت**

**چهارم: از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (ماهوي)؛**

**□ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **الف- لايحه تقديمي با قانون آيين‌نامه داخلي مجلس مغايرت**

**■ شده است.**

**□ نشده است، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **ب- ماده 144- رعايت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسي**

2

3

**■ ندارد.**

**□ دارد.**

**■ نمي‌شود**

**□ مي‌شود**

 **ج- ماده 185- موجب اصلاح يا تغيير برنامه مصوب و نياز به رأي نمايندگان**

 **تعداد** .......... **برگ اظهارنظر به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**مديركل تدوين قوانين**

**\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_**

**□ ندارد.**

**□ دارد.**

**5- لايحه تقديمي از حيث پيشگيري از وقوع جرم با بند(5) اصل(156) قانون اساسي مغايرت**

**معاونت اجتماعي و پيشگيري از وقوع جرم قوه قضائيه**

**ضميمه نظر اداره‌كل تدوين قوانين**

**بيان مستندات و دلايل مغايرت:**

|  |
| --- |
|  |

**نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

**معاون محترم قوانين**

احتراماً در اجراي بندهاي (1) و (3) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:

1. **در اجراي بند (1):**

■ وجود ندارد

□ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود.

**الف-** درخصوص لايحه تقديمي قوانين متعارض

□ وجود ندارد

■ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود.

**ب-** درخصوص لايحه تقديمي قوانين مرتبط

1. **در اجراي بند (3):**

■ لازم است.

□ لازم نيست.

 با عنايت به بررسيهاي به عمل آمده قانونگذاري در اين موضوع

تعداد .......... برگ سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري به ضميمه تقديم مي‌شود.

 **مديركل اسناد و تنقيح قوانين**

**ضميمه نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري

**الف- دلايل و ضرورت قانونگذاري**

|  |
| --- |
| متن دلايل |

**ب- سوابق قانوني**

|  |
| --- |
| متن سوابق. |